

ملحقات

رساله غيبیه

منسوب بملکم

است. با وضع قانون حقوق شخصیه اهالی محفوظ شده امنیت جان و عرض و مال و آزادی بدن که خدا بواسطه پیغمبر خود به بندگان عطا فرموده برای اهالی حاصل می گردد و الا از وجود يك سلطان عادل یا يك وزیر عاقل همانقدر نظم و ترقی حاصل می شود که يك روشنائی از يك مشعل بزرگ، همچنانکه مشعل خاموش بشود روشنائی آنهم فوراً تمام می شود سلطان عادل یا وزیر کامل همین که مأموریت و عمرشان بآخر رسید جمیع خوبی ها و انتظامها با آنها از میان خواهد رفت. اما درحالی که در يك دولت قانون وضع شده باشد در تغییر اشخاص چه شاه و چه وزیر خللی به ارکان نظم نخواهد رسید.

دوم میگفت : در دول اسلام وزرای سلاطین بجهت اقتدار و تسلط

موقتی خود وضع قانون را جایز نمی دانند.

اما به اعتقاد عقلا و خردمندان این يك سهو بزرگی است. هر گاه در مملکتی قانون باشد اقتدار و تسلط پادشاه و عظمت سلطان تاجدار و وزیر آن مملکت بیشتر خواهد بود. اقتدار و تسلط پادشاه یا وزیر آن نیست که زبردستان خود را باراده خود جریمه کند و بدون جرم عزل نماید و بگیرد به بندد و بکشد و بلااستحقاق منصب بدهد و مواجب زیاد کند. عقلای این زمان اینحالت را جباری و ستمکاری و اسراف و بی اعتدالی می گویند، بلکه اقتدار سلطان و وزیر آن است که بایک تکلیف حسابی دول همجوار خود را بتزلزل آورده حقوق ملی و دولتی را در هر جا احیا کند، برای خلاص کردن يك نفر اسیر خود بیست کرور تومان صرف کرده ده هزار لشگری فرستاده يك امپراطوری را مضمحل و معدوم نماید. یا بجهت رسیدن تعدی به پنج نفر رعایای خود از مغرب دنیا تا مشرق

## رساله قیمیه

اول میگفت : در روی زمین چند پادشاه اسلام است. من جمله در افریقا مراکش است که به اصطلاح دیگر فاس میگویند، بیش از بیست کرور نفوس دارد، ایضاً در آن قطعه تونس و حکومت مصر است، در اروپا و آسیا دولت عثمانی است که قریب هشتاد کرور نفوس دارد. در آسیا دولت ایران و حکومتهای افغانستان و ترکستان و بلوچستان و غیره و غیره است. هر کسی که از حالت دنیا و از ترقیات دول فرنگستان اطلاع کامل دارد و تواریخ را دیده و از حالت سلاطین اسلام در هندوستان و داغستان و چرکزستان و قرم و الجزایر و اندلس آگاهی حاصل کرده میداند که دول اسلام روز بروز ضعیف و معدوم و دول مسیحی روز بروز قوی و زیاد میشود. از آثار و علائم مانند آفتاب روشن است که اگر دول اسلام از خواب گران غفلت بیدار نشوند زودتر از این قرن بعضی معدوم و از بعضی بجز نام ضعیف چیزی باقی نخواهد ماند.

و از برای بیداری از چنین خواب گران مهلك وضع قانون مستحسن

۱ - این يك مقاله خیالی است در میان چند تن از مردم فرنگستان که به نظر خویش از اوضاع ایران انتقاد میکنند و نوع افکار آن شبیه به نظریات ملکم ولی انشای آن خیلی پست تر از انشای ملکم است.

دنیا سوق عسکر کرده يك سلطان بزرگ را که صاحب شش صد کور و رعیت است در تحت خود قرار بدهد. یا بجهت اجرای حقوق ملت خود از فرنگستان به ینگلی دنیا لشکر فرستاده دولتی را بهم زده، پادشاه دیگر در آن ملک نصب نماید و الا يك محکوم و يك مظلوم را بستن و کشتن و مال او را ضبط نمودن یا يك وزیر یا يك امیری را بدون جرم از منصب انداختن و رسوای خاص و عام نمودن قدرت نیست.

سیم میگفت: اگر چه در ایام گذشته سلاطین با فروشکوه در اسلام خاصه در ایران بظهور آمده جهانگیری کرده اند مانند چنگیز<sup>۱</sup> و امیر تیمور و شاه عباس و نادر شاه و غیره ولی آنوقت ها گذشته من بعد با این نظم و عدالت و با این ترقیات و با این تکمیل اسلحه و این علم و این سهولت راهها و این کشتیهای زره دار جنگی که در دول فرنگستان است و این محبت و اخلاص که اهالی فرنگستان نسبت به پادشاه و وطن خود دارند و با این بی نظمی و نقصان اسلحه و این عدم قانون در ممالک سلاطین اسلام و آن عدم محبت باطنی نسبت بوطن و آن کثرت جور و ستم از حکام بر عیاش، مجال است از اسلام پادشاهی بظهور بیاید که بتواند مملکت حاضر خود را از تسلط اعدا محافظت نماید تا چه رسد به جهانگیری و کشورستانی.

چهارم می گفت: سلاطین اسلام بواسطه آنکه آنها را از صغر سن بجهاری و قهاری عادت و تربیت میدهند لهذا لذت سلطنت را در استقلال جا برانه میدانند اما اگر يك سلطان اسلام را از طفولیت مانند سلاطین فرنگ

۱- چنگیز بت پرست بود و نسبت به اسلام محبتی هم نداشته است بلکه خود و اخلافش تا زمان غازان خان نسبت به عیسویان و جهودان از بنل مساعدت دریغ نداشته اند.

تربیت کنند به اولین کاریکه اقدام میکنند وضع قانون خواهد بود. پنجم میگفت: من قرآن را بزبان فرانسه ترجمه کرده ام بجهت دولت اسلام بجز قوانین شریعتی که خدای جلیل در قرآن مجید بواسطه رسول خود يك هزار و دوست و هشتاد سال قبل از این به ملت اسلام عطا فرموده قانون دیگر لازم نیست. کسی که بکنه و عمق قوانین فرنگستان رسیده باشد میداند که قانون اسلام مکمل ترین قوانین روی زمین است. اصل قوانین فرنگستان از قرار ذیل است:

تفریق دو اختیار و چرخ قانون را از اجرای قانون جدا کردن - انعقاد مجلس مشورت.

اطمینان جان برای اهالی - اطمینان عرض و ناموس - اطمینان مال، اختیار آزادی زبان و قلم یعنی امر بمعروف و نهی از منکر - حق اجتماع بجهت امور خیریه.

نشر علوم و معارف و اصلاح مکتب خانه ها و طرز تعلیم و تعلم - اختیار آزادی بدن و کسب.

منع سیاست و جزا قبل از صدور جرم - احیای نفوس یعنی تدبیرات برای زیاد شدن جنس انسانی.

نظم و ترتیب لشکر - تدبیرات از دیاد ثروت عمومی

این قوانین بطور اکمل در قرآن مجید هست ولی افسوس هزار افسوس که هیچ يك آنها عمل نمی شود.

حال باید بهمت يك وزیر بی غرض وطن پرست ملت خواه شاه پرست این قوانین را به ترتیب انداخته و شرح و بسط داده بعهده مجلس مخصوص بسپارد که آن مجلس کارش حافظ و حارس قانون بوده باشد.

ششم می گفت: نتیجه قانون این است که دین اسلام آنوقت زنده شده و معنی حقیقی خود را ظاهر خواهد کرد و ملت اسلام در انظار ملل خارجه بزرگ و محترم خواهد بود، پادشاه قدرت و قوت و جلالش هزار چندان افزونی خواهد یافت، محبت پادشاه در دل رعایا ریشه خواهد فکند چاکران دولت از اهل نظام و رعایا و کسبه در کنف قانون شب را آسوده خوابیده و روز را بصدق و ارادت به شاه خدمت ورعیتی خواهند کرد، بلاجهت باغراض شخصی يك و زبری با يك صاحب نفوذ يك شخص محترمی را که سالهای فراوان بدولت خدمت کرده زجر و سیاست و ترجمان و تنبیه نخواهند کرد، دول همسایه از ایران حساب برده تعدی و زیاده روی را موقوف خواهند ساخت، در ولایات و اطراف حکام بهوای نفس خود بندگان خدا را به قتل و سیاست نخواهند رسانید و ملک و مال آنها را بخواهش نفس خود ضبط نخواهند کرد، رعایای بیچاره را از شدت جور و تعدی بقبول کردن تبعیت خارجه یا جلای وطن مجبور نخواهند کرد، در هر جا معادن هست به کار انداخته خواهد شد، به هر چه زمین قابل زراعت باشد آنها جاری خواهد گردید، زراعت پنبه و توت و نیشکر و چغندر و غیره و غیره خواهد شد. دولت ایران دویست هزار نفر قشون پیاده و پنجاه هزار نفر سواره مانند قشون فرانسه خواهد داشت، ملبوس و مواجب و جیره و اسلحه آنها مانند قشون فرنگستان خواهد بود، علاوه بر این يك کرور قشون ملتی ترتیب خواهد یافت. طمع همسایه از ایران بکلی قطع خواهد شد؟

در بحر خزر و خلیج فارس صاحب کشتی های جنگی و تجارتي خواهد شد دولت، ایران در مدت ده سال صاحب افغانستان و ترکستان و

بلوچستان و گرجستان بل جميع قفقازیه خواهد بود. ۱ راههای آهن در جميع شهرهای بزرگ ساخته خواهد شد.

رعایای ایران که هر ساله زیاده از سی هزار نفر از جور و تعدی حکام و بیکاری و بی شغلی بممالک خارجه از قبیل روم<sup>۲</sup> و روس و هندوستان و فرنگستان و مصر و عربستان حتی امریکا متفرق و پراکنده میشوند آن وقت در داخله مملکت بزراعت و فلاح و کسب و اختراعات جدید و سایر امور رعیتی مشغول میشوند، در اندک زمان نفوس ایران به سی چهل کرور، مالیات بالمضاعف خواهد رسید. اسم پادشاه و اسم وزرای آن عهد ابدالدهر در کتب تواریخ کل دنیا به بزرگی و نیکی باقی خواهد ماند. شهرها معتبر و باک و منظم و کوچها وسیع خواهد شد. مریضخانه های نظامی و غیر نظامی در شهرها طیبها و جراحها و دوا فروش های با علم و عمل خواهد داشت. هر عطار جرئت دوا فروشی نکرده و هر نسخه بند حق طبابت به بندگان خدا و کشتن آنها نخواهد داشت.

بجهت سائلان شغلای شایسته پیدا شده از ذلت سؤال و ستوه آوردن مردم خلاص خواهند گردید. وقت و ساعت کارها در دیوانخانه و وزارت خانه ها معین شده مردم بلاجهت سرگردان و معطل نخواهند بود.

اوقات عزیز پادشاه که الان بکارهای خراب و بی فایده مصرف میشود آنوقت بکارهای نافع مصرف خواهد بود. همچنین وزرای دیگر.

۱ - پیش از آنکه در قسمتهای جدا شده از ایران به روزگار سلطنت قاجاریه، دولتهای مستقلی از برادران ما تشکیل شود ایرانیان ملاحظه مند و مصلح، به بقای این ممالک قدیمی ایران در دست بیگانگان راضی نبوده و آرزوی بازگشت و پیوستن آنها را به وطن مشترک و مادر اصلی داشتند. ۲ - عثمانی

سیاق تعلیم و تعلم که الان در بدترین حالت است آنوقت اصلاح خواهد یافت بطوریکه تحصیل ده ساله در مدت سه سال با کمال آسانی برای اطفال میسر خواهد شد. اطفال از خواندن و تحصیل علم متفر و منزجر نخواهند شد و درس حب وطن که در ایران نیست بخوبی تحصیل خواهند کرد. هفتم میگفت: این حالت خالیه و حکومت حاضره که الان در ایران موجود است بهیچوجه بحکومت اسلام و قانون محمدی (ص) شباهت ندارد. این وضع هر کب است از عادات فرس و یونان و تاتار و عرب و افغان و روم و ترکمان، مخلوط و درهم، یک عالم هرج و مرجی است که در هر چند قرنی یکی از ملوک طوایف غلبه کرده و از هر کدام آنها یک عادت مذمومه و مکروه در ایران باقی مانده.

مثلا آدم بطناب انداختن یا شقه کردن یا بدهان توپ گذاردن یا چوب زدن یا داغ نمودن و گوش بریدن و پی نمودن و از بلندی پرت کردن و هزار نوع شکنجه نمودن و بجهت تقصیر بکنفر خویش و اقوام او را گرفتن و بستن و زدن و کشتن و خانه های آنها را ویران کردن و اموال آنها را تاراج نمودن و یا یک شخص محترم را بلا جبهه از رتبه و اعتبار انداختن و رسوای خاص و عام کردن و مال او را ضبط نمودن و خود او را از زندگی محروم ساختن، این قبیل مظالم را خدا کجا به پیغمبر خود امر فرموده و حضرت ختم رسل و خلفای آن بزرگوار کی وقت راه رفتن صد نفر بی سرو پارس و پیش انداخته اسباب جلال قرار میدادند و معنی بزرگی و انسانیت را کی منوط بوجود این چنین اجامر و او باش کرده بودند؟ اگر میگویند وقت و زمانه مقتضی این گونه تشخصات است من میگویم در صورتیکه اقتضای زمانه بخلاف ما انزل الله اجازه میدهد چرا

یر وضع قانون و عمل کردن بفرمایش رسول الله (ص) که احیا کننده ملت و دولت است اجازه نمیدهد؛ ایرانیان اگر انصاف و انسانیت و غیرت دارند لامحاله تابع يك قانون بشوند خواه قانون فرس خواه قانون مغول خواه اسلام. من که مسلمان نیستم<sup>۱</sup> میگویم قانون اسلام بهترین و کامل ترین قوانین روی زمین است. هر کس در هر جای آن عیب میداند بگوید و بر اصلاح آن چاره بگوید یا اینکه مانند حدیث «قد تغیر الاحکام تغیر الزمان» و سیله در دست دارند عادات حاضره در ایران علاوه بر اینکه مخالف آئین اسلام و ما انزل الله است طبایع قلوب ملل خارجه را از مذهب اسلام متنفر و مکروه دارد و در خارجه تصور میکنند که در واقع این ظلم و عدوان و این عدم ملاحظه حقوق رعایا و برابری و این هزار قسم تعدیات از اصول قانون اسلام است.

اگرچه در میان سیصد میلیون فرنگی ده بیست نفر مثل من بکنه مضامین قرآن شریف رسیده و میدانند ولی دانستن این جمع قلیل در میان سیصد میلیون چه منفعتی بحال اسلامیان خواهد بخشید در کل فرنگستان و در همه ینگی دنیا بکنفر نیست که منکر مضافین آن رسالها باشد<sup>۲</sup> همیشه شماها را در جرگه ملل وحشی و بی تربیت و ظالم و خونخوار خواهند داشت.

هشتم میگفت: فقط وضع قانون چاره دردها را نمی کند حرف در سر دو اختیار است یعنی اختیار وضع قانون را از اختیار اجرای قانون جدا نمایند که این دو اختیار بهیچوجه مخلوط هم استعمال نشود. یعنی

۱ - فراموش نشود که مکالمه میان چند تن اروپایی عیسوی انجام میگیرد.

۲ - گویا افتادگی در متن باشد.

مجلس قانون وضع قانون بکند و با اجرای آن ابدأ مداخله نمایند و وزرای آندولت اجرای قانون بکنند و وضع و تغییر قانون را مطلقاً دخل و تصرف نمایند.

دول مقتدر فرنگستان بعد از هزار سال این معنی را فهمیده اند. سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی بعد از هفت سال سلطنت در سال ۱۲۸۵ این معنی را فهمیده و در نطق رسمی خود اقرار نمود.

يك كلمه « بدون تفریق وضع قانون و اجرای آن اگر بهترین قوانین دنیا را جمع کنند و بعاقلترین وزرای دنیا کار رجوع نمایند که آنها هم معین و اجرا کن باشند بجز خرابی و بجز اغتشاش نمیتوانند کار دیگر بکنند خلاصه با اختلاط دو اختیار نه امکان نظم است و نه ترقی ».

نهم میگفت: یکی از خیر خواهان دولت بعد از میرزا آقاخان صدراعظم رساله چند در باب اصول حکمرانی و تفریق اختیارین نوشته، رساله های مزبور را در فرنگستان دیده اند و هزار تحسین و آفرین بر مصنف آن کرده اند و هزاران حیرت و تعجب حاصل نموده اند که بلا اثر مانده ..... نسخه از آنها بشما میدهم که بنظر شخص بزرگوار برسانید.

دهم می گفت: برای هیچ پادشاه و هیچ وزیر شرط نیست که جمیع راه ترقیات را خود بداند و عیب ایشان نخواهد بود چیزی که خود نمیدانند از دیگران بیبر سند و اسباب آن را از خارج فراهم بیاورند چیزی که برای اشخاص بزرگ مانند سلاطین و وزرا لازم است؛ کار جستن و کار پیدا کردن، در عزم ثابت و بی غرض و درست قولی و ابراز غیرت و همت در کارها است. بطر کبیر با استعداد فطری خود دانست مادامیکه کشتیهای جنگی نداشته باشد و قدرت بحریه بهم نرساند دولت روس معنی نخواهد داشت

پانهایت اغتشاش که در داخله ممالک بواسطه خلل زن و پسرش و کشتیشان ملت ظهور داشت عزم و همت ملوکانه خود را جزم کرده بفرنگستان آمد و از اوضاع و احوال آنجا بصیرت کامل حاصل نموده دو سال متصل در کشتی سازخانه ملك روزها کشتی سازی یاد میگرفت و شبها را بوزرای خود دستور العمل میفرستاد و این را هر عاقل میداند و خود بطر هم میدانست که اگر پنجاه نفر استاد کشتی ساز از فرنگستان طلب میکرد مقصودش زودتر صورت میگرفت و احتیاج بدو سال معطلی و فعلگی خود نمیشد اما چون مقصود او ابراز همت و اظهار عزم ملت بود لهذا چنین کرد بواسطه چنین همت خود او در امور ملك داری دولت روس الان از اولین دولت فرنگستان است.

یازدهم می گفت: تعجب دارم از حالت وزرای ایران با اینکه در عصر خود بکرات دیده و قبل از ایام خود را نیز در تواریخ ملاحظه کرده اند که هیچ وزیر در انجام کار از قهر و غضب سلاطین خلاص نشده است معهدا بزیر بار گران وزارت میروند و مادامیکه اقتدار و تسلط دارند بی آنکه بفکر احیای ملت بیفتند بهترین عمر خود را صرف تحصیل پول آنهم براههای نالایق میکنند و بعد از عدم قانون، دوچار میشوند و قبل از وقت چاره نمی نمایند!

دوازدهم می گفت: در بدو اسلام هر يك از خلفا که با حکام قرآن رفتار کرده و قوانین شرعیه اسلام را کاملاً رعایت میکردند قوت و سطوت دولت اسلام، معموریت و ثروت مملکت و آسودگی و رفاهیت ملت بدرجه کمال بود.

در هر عصر که بخلاف این رفتار کرده اند عکس آن بظهور رسیده

مایه اصلیه این مقصود امنیت جان و ناموس و مال است در هر دولتی مایه امنیت و اطمینان مادامیکه کاملاً برای اهالی حاصل نشده آبادی و قوت و رفاه برای آن مملکت ممکن نیست و محال است. در مملکتی اگر مانند نوشیروان و بوزرجمهر پادشاهی و وزیری باشد مادامیکه اطمینان و امنیت های مذکوره قانوناً به اهالی آنجا داده نشود آن مملکت مثل حالت حالیه ایران خواهد بود.

سیزدهم می گفت: هر وزیری که این خدمت را به پادشاه ایران کرد یعنی وضع قانون نمود و اجرای احکام قرآن مجید را بترتیب انداخته محافظت آنها را بعهده مجلس مخصوص محول کرد و اجرای آن را بعهده مجلس دیگر گذاشت او هم دولت شاه را زنده کرده و هم ایرانیان را احیا نموده و هم مانند اسکندر و بطر کبیر و ناپلیون اسم بزرگ در دنیا باقی خواهد گذاشت.

چهاردهم می گفت: از بعضی اشخاص شنیده ام میگویند هنوز وقت این کارها نیست و ملت تربیت نشده و استعداد بهم نرسانیده که و کلاً از جانب خود انتخاب نماید و دولت از روی قانون با آنها رفتار کند، این گونه حرفها در حقیقت مثل این است که کسی قرآن را رد کند و منکر دین محمد (ص) باشد.

بدلیل اینکه هزار و سیصد سال قبل خداوند عربهای بی تربیت را قابل این نعمت دیده بواسطه رسول خود قانون های محکم در قرآن برای آنها عطا فرموده و پیغمبر خود را با امت خود بمقاد آیه شریفه (وشارهم فی الارض) حکم بمشورت فرموده، الان که اهل ایران مردمان باعقل و درایت و از همه جای دنیا با خبر و آگاه هستند چگونه میشود

قابل آن نباشد که با آنها باقانون احمد مختار رفتار شود؛ علاوه بر این دلیل دیگر نیز داریم و آن این است دولت روس ارانیه و گرجیها و قزلباشهای کوه و صحرا نشین قفقاز را قابل دانسته امتیازات شایسته با آنها داده و امنیت همه چیز با آنها بخشیده و با آنها موافق قانون موضوعه خود رفتار میکند و وکلای رعیت از میان آنها بانتخاب خود رعایا قبول میکند ولی در ایران هنوز اهالی قابل و مستعد آن نشده اند که با آنها موافق قانون خدا که در قرآن شریف داده شده رفتار بکنند؛ این چه حرف بی معنی است اینگونه حرفها را یاب به کمال جهل و نادانی حمل می کنیم یا بعین غرض و خود بینی.

پانزدهم می گفت: من در ایران چه در ایام ولیعهدی و چه بعد از جلوس بر تخت سلطنت مکرر شرفیاب حضور اعلیحضرت ناصرالدین شاه ایران شده ام و فرمایشات ملوکانه را شنیده ام و از نیت آن پادشاه کاملاً مطلع شده ام و بدون تملق و غرض میگویم که در حسن نیت و عزم ملوکانه و خدا پرستی و عدل این پادشاه بهیچوجه نقصی و قصوری ندیده ام چیزی که مانع به ظهور نیات نیک اعلیحضرت ایشان است ناموجودی اسباب کار و عدم اتفاق و بیکروئی وزرا (۱) و امنای دولت است.

شانزدهم می گفت: سبب اینکه در وقت رحلت پادشاهان ایران از دنیا می آید پای تخت و سایر شهرها و راهها بی نظم و آشفتگی و پریشان می شود یا باخبرهای بی حقیقت نسبت بوجود پادشاه در پای تخت دکان و بازار بسته

۱ - این قریبه است بر آنکه این رساله در قفقاز و یا بوسیله یکی از مسلمانان قفقاز که بانوشته های ملوکانه ای داشته برشته تحریر در آمده است. انشاهم شبها به انشای طلب زاده و فارسی نویسان قفقاز است.

وقحطی نان و آذوقه می‌کردد از عدم قانون است. بجهت اینکه چون اهالی نظم مملکت را منحصر به وجود پادشاه میدانند لهذا همینکه خبر بدی نسبت بوجود پادشاه منتشر شد ولایات درهم برهم میگردد. اگر قانون باشد بلاشبهه نظم و آسایش را از قانون میدانند و پادشاه را رئیس کل و حافظ و حارس قانون و اگر بوجود پادشاه سانحه برسد میدانند همان کسی که بعد از او قانوناً وارث سلطنت است به تخت جلوس خواهد کرد.

با حاکمات حاضره اگر صد هزاران آدمها را سیاست کنند، هزاران سرها بریده و بطناب انداخته شود، این عادت مکرره از میان اهالی رفع نخواهد شد مگر بوضع قانون، علاوه بر دلایل مذکوره حالت سلاطین روی زمین در این باب يك دليل واضح و برهان قاطع است.

این چند بیت را در آخر گفته های خود بر من خواند:

طریقت بجز خدمت خالق نیست، به تسیح سجاده و دلق نیست.  
نه بی حکم شرع آبخوردن خطا است، ولیکن بفتوا بریزی رواست.

## تکمله و توضیح راجع بر رساله غیبیه

بعد از ختم عمل چاپ نسخه ای از رساله غیبیه که در ملحقات طبع شده است بدون اسم و عنوان از کتابخانه ثقفی اعزاز فرزند مرحوم اعلم الدوله در دسترس مقرر گرفت که میرزا عبد الوهاب نوری (نظام الملك دوم) آن را بسال ۱۳۰۱ هجری قمری استنساخ نموده و بانسخه منضم به کلیات که اساس چاپ حاضر قرار گرفته است تفاوتی دارد.

از جمله در آغاز رساله مینویسد:

«در نصایحی است که یکی از دانشمندان فرنگستان به بنده درگاه گفته و مخصوصاً پیمان گرفته که بعرض جناب عالی برسانم. بنده نیز بمفاد لیس علی الرسول الا لبلاغ بی آنکه کلمه ای از گفته های او زیاد و نقصان کند بعرض آنها مبادرت نمودم.»

بعلاوه اختلاف روایت و قرائتی در بسیاری از الفاظ بین دو متن موجود است که برخی از آنها اصولاً در متن مطبوع غلط آورده شده است مانند:

سطر ۱۴ از صفحه اول «از برای» که بجای آن «داروی» و در صفحه دوم «طر اول مختل» را «اختلال» و در سطر چهارم «ملك» را «فلمنك» آورده است و جزاینها برخی افزونها هم دارد که در اینجا یاد میشود:  
در صفحه دوازدهم «س از سطر ۱۴» در کل فرنگستان و در همه یزکی «ننا يك» تقریباً نمیتواند شد که «مکر» ضامین آن رساله باشد...  
در صفحه «سیزده» سطر ۱۶ «س از» «تمام ایام وزارت مورد انواع ذلت و محاربت میگردد» و این بلیه در آنکه بواسطه...





کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی  
1003150025771

و در پایان رساله علاوه بر بیت مذکور آیات دیگری بدین تفصیل

دارد :

نه بی حکم شرع آب خوردن خطاست

و گر خون بفتوی بریزی رواست

نظر کن در احوال زندانیان

که ممکن بود بیگنه در میان

که خاطر نگهدار درویش باش

نه در بند آسایش خویش باش

رعیت چو ببخند و سلطان درخت

درخت ای پسر باشد از بیخ سخت

فراخی در آن مرز و کشور مخواه

که دلتنگ بینی رعیت ز شاه

رعیت نشاید به بیداد گشت

که مرساطنت را پناهند و پشت

بر آن باش تاهر چه نیت کنی

نظر در صلاح رعیت کنی

الا اما بیچی سر از عدل و رای

که مردم ز دست تو بیچند رسای

گر بسزد رعیت ز بیداد گسر

کند نام زشتش به گیتی سمر

خدا ترس را بر رعیت گمار

که معمار ملکست پر مهر کند

بداندیش ملک است و خونخوار خلق

که نفع تو جوید در آزار خلق

رباست بدست کسانی خطاست

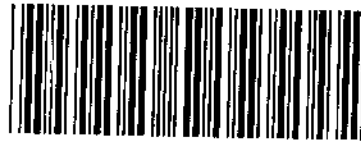
که از دستشان دستها بر خداست

تاریخ تألیف کتاب میلان میل ۱۲۸۶

بتاریخ روز یکشنبه دوازدهم شهر ربیع الثانی سنه هزار و سیصد و

یک کمترین عبدالوهاب نوری تحریر نموده ...

۳۰۲۱۲



BF30212